

جایگاه کالای برق در سازمان جهانی تجارت (WTO)

علیرضا قراباغی*

WTO / GATT / GATS / مزیت نسبی / صنایع انرژی بر / کالای برق

چکیده

طبق برآورد آژانس بین‌المللی انرژی، الکتریسیته با رشد سالانه ۲/۸ درصد، بیش از هر انرژی دیگری در تقاضای نهایی انرژی جهان رشد خواهد کرد. با گسترش روند خصوصی‌سازی و آزادسازی الکتریسیته در جهان و با تفکیک کالای برق از خدمات برق، تجارت بین‌المللی الکتریسیته در حال افزایش است. این تجارت هم به صورت مبتنی بر همکاری و تعاون و هم به شکل مبتنی بر رقابت انجام می‌شود. همزمان با این روندها، کشورهای دارای ذخایر و منابع انرژی نظیر روسیه و عربستان به سازمان جهانی تجارت ملحق می‌شوند و مباحث انرژی و منجمله الکتریسیته در WTO شفاف‌تر می‌گردد.

کشورهایی که به منابع سرشار و مطمئن انرژی دسترسی دارند، می‌توانند با برخوردی فعالانه سمت و سوی تعاریف، دیدگاه‌ها و مقررات مربوط به تجارت کالای برق در سازمان جهانی تجارت را مطابق منافع ملی خود هدایت کنند و با بررسی مزیت نسبی در صنعت برق، برای تحکیم جایگاه خود در صادرات کالای برق و برای بهره‌گیری از صنایع انرژی‌بر اقدام کنند.

* کارشناس ارشد مدیریت مالی alirezaqarabaqi@yahoo.com

مقدمه

در نظریهٔ مزیت نسبی^۱ ریکاردو^۲ هزینهٔ تولید به کار محدود شده بود. اما در نیمهٔ اول قرن بیستم در نظریهٔ هکشر-اوهلین^۳ به این واقعیت توجه بیشتری شد که توزیع عوامل تولید نظیر کار، سرمایه، زمین، مواد اولیه و انرژی در کشورهای مختلف یکسان نیست و در نتیجه نوعی مزیت نسبی برای هر کشور قابل تصور است زیرا همهٔ کالاها به یک نسبت معین از عوامل تولید نیاز ندارند. برای مثال کشورهای نفت خیز در ایجاد صنایع انرژی بر^۴ مزیت دارند زیرا آنها را قادر می‌کند با استفاده از منابع سرشار، ارزان و در دسترس انرژی، فرآورده‌های ارزان تولید کنند.

اگر بپذیریم که ایران به دلیل داشتن ذخایر فراوان نفت و گاز باید به تولید کالاهایی روی بیاورد که به نسبت بیشتری انرژی نیاز دارند، می‌توانیم از یک سو تولید برق را به عنوان یکی از این کالاها در نظر بگیریم و از سوی دیگر برق را به عنوان انرژی ثانویه، یکی از عوامل تولید به حساب آوریم که به نوبهٔ خود می‌تواند تولید کالاهای نیازمند الکتریسیته را افزایش دهد.

بنابراین جا دارد در آستانهٔ پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت، دیدگاه‌های موجود در WTO^۵ در مورد الکتریسیته تشریح گردد. مقاله حاضر تلاشی در این زمینه است که در آن بحث برق به عنوان یک کالا مطرح می‌شود. خدمات اصلی و غیر اصلی برق، صنایع انرژی بر، صنایع تولیدکنندهٔ تجهیزات نیروگاهی و شبکه، خدمات فنی و مهندسی برق و اصولاً تجارت خدمات برق از شمول این مقاله خارج است.

در این مقاله نخست موافقتنامه‌های تجارت کالا و تجارت خدمات در WTO مطرح می‌گردد، سپس دیدگاه‌ها و مقررات سازمان جهانی تجارت در مورد الکتریسیته ذکر

1. Theory of Comparative Advantage

۲. از اقتصاددانان انگلیس (۱۷۷۲-۱۸۲۳) David Ricardo

3. Heckscher-Ohlin Theorem

4. Energy-Intensive

۵. سازمان جهانی تجارت (World Trade Organization)

می‌شود و در پایان اهمیت برنامه‌ریزی برای صادرات برق تشریح می‌گردد.

۱. روش تحقیق و فرضیه‌ها

این پژوهش یک بررسی موردی است که با توجه به نو بودن بحث تجارت جهانی کالای برق، به جای بررسی دوره‌های زمانی در این تجارت، نظرات و مباحثی را که در مورد آن در سطح جهانی مطرح شده است مطالعه می‌کند و در این زمینه به ویژه به بحث‌های مطرح شده در چارچوب سازمان جهانی تجارت توجه دارد.

پژوهش به بررسی فرضیه‌های زیر می‌پردازد:

۱. الکتریسیته به عنوان یک کالا در چارچوب مقررات کلی سازمان جهانی تجارت قرار می‌گیرد.

۲. نقش فعال‌تر کشورهای دارای منابع وسیع انرژی می‌تواند در شکل‌گیری نظام تعاریف و وضع مقررات تجارت الکتریسیته که برای آنان مناسب‌تر باشد، مؤثر واقع شود.

۳. تفکیک تولید برق از انتقال و توزیع آن امکانپذیر است.

۴. تفکیک تولید برق از انتقال و توزیع آن، به تجارت جهانی الکتریسیته رونق می‌بخشد.

۲. سازمان جهانی تجارت

می‌توان گفت رکود سالهای ۱۹۳۰ و سیاست‌های حمایتی و موانع تجاری متعاقب آن نقش مهمی در شکل‌گیری جنگ جهانی دوم داشته است، بنابراین تلاش بشریت در تثبیت نظام‌های تجاری و پولی، پیدایش نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه از دل کنفرانس برتون‌وودز^۱، ایجاد اتحادیه اروپا، و تأسیس گات به عنوان سلف WTO لااقل تاکنون از تکرار تنش‌های پیش از جنگ جهانی جلوگیری کرده است.

1. Bertton Woods

۳. گات ۱۹۴۷

با چنین فلسفه‌ای و در چنین شرایطی نخستین دور مذاکرات مربوطه در سال ۱۹۴۷ صورت گرفت و در سال ۱۹۴۸ کنفرانس هاوانا به پایه‌ریزی پیمان گات منجر شد و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت^۱ (GATT) بر پایه چهار قاعده اصلی شکل گرفت.

قاعده اول ضمن تأکید بر اهمیت پیروی کشورهای عضو از آزادی تجارت، به آنها اجازه می‌دهد از تولید داخلی در مقابل رقابت خارجی حمایت کنند مشروط بر آنکه این حمایت تنها از طریق تعرفه صورت پذیرد و هیچ کشوری در تجارت با سایر اعضا به محدودیت‌های مقداری نظیر سهمیه‌بندی، مجوز وارداتی یا صادراتی و تدابیری از این قبیل متوسل نشود. تنها کشورهایی که در تراز پرداختها مشکلاتی دارند، به ویژه کشورهای در حال توسعه، اجازه دارند در صورتی که برای جلوگیری از کاهش جدی ذخایر پولی آنها ضروری باشد، از محدودیت‌های کمی بر واردات استفاده کنند.

قاعده دوم خواستار کاهش و حذف تعرفه‌ها و سایر موانع تجاری از طریق مذاکرات چندجانبه است. هر کشور جدول جداگانه‌ای دارد و متعهد است تعرفه یا سایر حقوق گمرکی یا هزینه‌هایی که مازاد بر میزان مندرج در جدول آن عضو هستند، وضع ننماید. کشوری که از طریق کاهش تعرفه‌ها خواستار دسترسی بیشتر به بازارهای سایر کشورها است باید آماده باشد تا در تعرفه‌ها یا سایر زمینه‌هایی که کشورهای دیگر سودمند تلقی کرده و آن را عمل متقابل یا معادل ارزش امتیازاتی که داده‌اند بدانند، امتیازاتی را اعطا کند. البته با توجه به سطح پایین تر توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نیازهای تجاری و مالی آنها، این کشورها امتیازات و کمک‌های بیشتری دریافت می‌کنند.

قاعده سوم از کشورها می‌خواهد تجارت خود را بدون اعمال تبعیض میان کشورهای بی که از آنها کالا وارد یا به آنها کالا صادر می‌نمایند، انجام دهند. این قاعده در اصل دولت کامله‌الوداد^۲ تجسم یافته است. لذا هر گونه مزیت، مساعدت، امتیاز و معافیتی که یکی از طرف‌های متعاقد برای یک یا گروهی از کالاهای وارداتی یا صادراتی عضو دیگر گات

1. General Agreement on Tariffs and Trade

2. Most-Favored-Nation (MFN)

قائل می‌شود، خود به خود و بدون قید و شرط به کالاهای سایر کشورهای متعاقد تسری پیدا می‌کند که البته ترتیبات ترجیحی منطقه‌ای از این قاعده مستثنی می‌باشد. قاعده چهارم که به عنوان قاعده رفتار ملی شناخته شده است، کشورها را مکلف می‌نماید تا پس از ورود کالا به بازار داخلی و پرداخت حقوق گمرکی آن در مرز، مالیات‌هایی داخلی نظیر مالیات بر ارزش افزوده، با نرخهایی بالاتر از نرخ مربوط به محصول مشابه داخلی، بر آن وضع نکنند.

۴. دور اروگوئه

در ادبیات گات، مذاکرات مربوطه به ۸ دور اصلی طبقه‌بندی شده است. آخرین دور این مذاکرات که دور اروگوئه نام گرفت، ۸ سال به طول انجامید و به تحول عظیمی منجر شد. فروپاشی کمونیسیم و پایان جنگ سرد، با اوج‌گیری سیاست‌های طرفدار خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه همراه شد و گات چه از نظر کمی و تعداد کشورهای عضو، و چه از نظر کیفی و دامنه فعالیت گسترش یافت. بخش کشاورزی و بخش منسوجات به صورت دقیق مشمول مقررات گات گردید و راههای فرار و خط مشی‌های ناسازگار با اصول گات در این دو بخش کنار زده شد. تجارت خدمات که جزء مهمی از تجارت بین‌المللی شده بود در حیطه توافق‌ها قرار گرفت. همچنین با حمایت از حقوق مالکیت معنوی نظیر پروانه‌های اختراع و علائم تجاری، از رواج کالاهای تقلبی جلوگیری به عمل آمد و کشورهای توسعه یافته برای فروش یا اعطای پروانه امتیاز فناوری به صنایع کشورهای در حال توسعه، انگیزه بیشتری پیدا کردند. و سرانجام طرق حل اختلافات قانونمندتر شده و تمهیداتی برای بررسی و رفع دعواها و اتخاذ تصمیم از طریق ارگان‌ها و تشکیلات مورد نیاز فراهم گردید. همه اینها به شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت منجر شده که با تصویب موافقتنامه مراکش به عنوان جانشین گات پا به عرصه وجود گذاشت و از اول ژانویه ۱۹۹۵ رسماً کار خود را آغاز نمود. از آن تاریخ، گات به عنوان یک نهاد مجزا از بین رفت، اما موافقتنامه گات ۱۹۹۴ با دو موافقتنامه دیگر یعنی

موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات^۱ (GATS) و موافقتنامه راجع به جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی (TRIPs)^۲ به عنوان بخش‌های سه گانه WTO به حیات و تکامل خود ادامه دادند.

۴-۱. تجارت کالا در WTO

با پیدایش سازمان جهانی تجارت، گات با تغییرات و اصلاحاتی به عنوان موافقتنامه تجارت کالایی، فعالیت نوین خود را گسترش داد. گات ۱۹۹۴ به مسایل خاصی نظیر تجارت دولتی، استاندارد محصولات، اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت، یارانه‌ها و اقدامات ضد دامپینگ نیز پرداخته است.

اصول قبلی گات ۱۹۴۷ منجمله حمایت از صنعت داخلی فقط از طریق تعرفه‌ها، تثبیت و کاهش تعرفه‌ها، تجارت طبق شرط دولت کامله‌الوداد و عدم تبعیض، و رفتار ملی همچنان مبنای عمل گات ۱۹۹۴ می‌باشد.

۴-۲. تجارت خدمات در WTO

با توجه به اینکه خدمات، حدود یک پنجم تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد و هر سال نسبت صادرات خدمات به کل صادرات جهانی افزایش می‌یابد، ضرورت داشت که نظام حقوقی تجارت جهانی خدمات نیز مورد توجه قرار گیرد. گرچه تعریف دقیقی از خدمات وجود ندارد و مرز خدمات و کالاها کاملاً مشخص نیست، اما معمولاً خدمات (برخلاف کالاها) نامحسوس و غیرقابل لمس هستند و آنها را نمی‌توان ذخیره نمود. در تجارت خدمات در اکثر موارد نزدیکی میان عرضه‌کننده و مصرف‌کننده خدمات ضروری است.

یک فعالیت اقتصادی ممکن است از بخش‌های مختلف خدمات استفاده کند. مثلاً «توزیع نیرو» ممکن است از خدمات حقوقی، حسابداری، مهندسی، داده‌پردازی، تحقیق و توسعه، تبلیغاتی، سنجش افکار عمومی، پردازش اطلاعات و بسیاری از خدمات دیگر استفاده کند. همچنین «انتقال نیرو» ممکن است از نظر خدمات متعددی منجمله ساخت و

1. General Agreement on Trade in Services

2. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights

خدمات مهندسی مرتبط با آن، بیمه، خدمات بانکی، خدمات حمل از طریق خط لوله و موارد دیگر، مشمول GATS به حساب آید. بنابراین علاوه بر دو فعالیت مهم انتقال و توزیع که از خدمات اصلی برق به شمار می‌روند، اجزای این فعالیت‌ها نیز خود از خدمات مختلفی تشکیل می‌شوند.

۵. برق در WTO

در تجارت جهانی، مبحث برق از ابعاد مختلفی مطرح می‌باشد که می‌توان این ابعاد را به صورت خلاصه چنین عنوان نمود:

- تفاوت بین کالای برق و خدمات برق؛
- ارتباط تنگاتنگ مباحث مربوطه با سایر انرژی‌ها به ویژه نفت و گاز؛
- پیوند با مسایل رفاه عمومی و امنیت اجتماعی به عنوان کالای استراتژیک؛
- تأثیر یارانه برق بر حمایت از کشاورزی و صنعت؛
- تقویت سرمایه‌گذاری در این بخش و غلبه بر مقاومت دیرپای آن در منطقه مالکیت دولتی؛

- رعایت استاندارد، کاهش آلودگی، حفظ منابع طبیعی.

هر یک از موارد یاد شده و نیز جنبه‌های مختلف تجارت خدمات برق، از نظر مقررات و دیدگاه‌های موجود در سازمان جهانی تجارت قابل بررسی است. در اینجا با تفکیک جنبه کالایی برق، دیدگاه‌های مربوطه عنوان می‌شود.

۵-۱. برق، خدمت یا کالا

کمیسیون اروپا معتقد است: «فیلم‌ها، آثار چایی، گردآوری خبر و موسیقی روی اینترنت خدمات هستند زیرا به صورت صریح قابل لمس و یا قابل مشاهده نمی‌باشند و از خود ماهیت فیزیکی ندارند. آمریکا این منازعه را پیش می‌کشد که برخی کالاها نظیر الکتروسیته نیز محسوس نیستند. اما کمیسیون اروپا می‌گوید که این مغالطه است زیرا اکسیژن، گاز و برق کالا محسوب می‌شوند. اگر بخواهیم دقیق‌تر بگوییم، آنها را نمی‌توان «لمس» کرد،

ولی وجود فیزیکی دارند. در واقعیت نیز این کالاها محسوس هستند. کافی است دمای اکسیژن را کاهش دهیم تا جامد شود. در مورد الکتریسته موضوع حتی ساده‌تر است زیرا کسی انگشت خود را داخل پریز برق نمی‌کند!^۱

البته از آنجا که GATS بخشودگی‌هایی به مراتب بیشتر از GATT دارد، تعیین کالا یا خدمات بودن چیزی که در تجارت جهانی مورد خرید و فروش قرار می‌گیرد، از اهمیت برخوردار است. در واقع برق به عنوان یک کالا در محدوده GATT قرار می‌گیرد، اما توزیع و انتقال آن و نیز بسیاری از فعالیت‌های جنبی تولید، تحت پوشش مقررات GATS واقع می‌شود. دبیرخانه شورای تجارت خدمات در مورد کالا یا خدمات بودن الکتریسته می‌گوید:^۲ برخی از فرآورده‌های انرژی مشخصاً در مقوله کالایی قرار می‌گیرد، اما در مورد الکتریسته موضوع پیچیده است. شاید عدم قابلیت ذخیره‌سازی الکتریسته عاملی بوده است که طراحان گات را به این نظر سوق داده است که نیروی برق را نمی‌توان به عنوان کالا طبقه‌بندی کرد.^۳ البته بعداً بیشتر طرف‌های تجاری گات، برق را کالا در نظر گرفتند و بعضی از آنها روی آن الزام تعرفه‌ای نیز وضع کردند.

در سیستم HS^۴ تهیه شده توسط سازمان حقوق گمرکی جهانی^۵ انرژی الکتریکی همراه با سایر مواد انرژی نظیر زغال سنگ، گاز و نفت، در طبقه‌بندی کالا قرار گرفته است. هر

1. European Commission 1999, p.1

2. WTO 1998, p. 3

۳. با توجه به ماده ۲۰ (g) گات یعنی استثنای عمومی راجع به حفاظت از منابع طبیعی پایان‌پذیر، در گزارش کمیته طراحی نیویورک چنین مطرح شد: «از آنجا که به نظر می‌رسد این موضوع مورد موافقت عمومی قرار گرفته باشد که نیروی برق را نمی‌توان به عنوان یک کالا طبقه‌بندی کرد، دو تن از نمایندگان لزومی ندیدند که حق ممنوعیت صدور نیروی برق را برای کشور خود محفوظ اعلام کنند.» رجوع شود به گات، فهرست تحلیلی: راهنمای مقررات و عمل گات، چاپ ششم با اصلاحات (۱۹۹۵)

۴. سیستم تعریف و کدگذاری هماهنگ کالا

Harmonized Commodity description and coding System (HS)

الکتریسته در بخش ۱۶-۲۷ سیستم HS ذکر شده است.

۵. سازمان حقوق گمرکی جهانی World Custom Organization

چند علیرغم سایر مواد انرژی، یک عنوان انتخابی نیز برای انرژی الکتریکی منظور شده است، به نحوی که اعضای سازمان مذکور مجبور نیستند حتماً برق را به صورت یک کالای مشمول موارد تعرفه‌ای طبقه‌بندی کنند. ماهیت انتخابی عنوان انرژی الکتریکی در تقسیم‌بندی HS بیانگر این واقعیت است که برخی از کشورها آن را نه کالا، بلکه خدمت محسوب می‌کنند.

۲-۵. طرح بحث انرژی

گفته می‌شود «از آنجا که آزادسازی برق و سایر انواع انرژی باید برپایه تعادل بین منافع عمومی (تضمین امنیت، هماهنگی با محیط زیست، ارائه خدمات به عموم، قابلیت اتکاء و اطمینان از تداوم) و کارایی بیشتر با در نظر گرفتن موقعیت متفاوت کشورهای مختلف باشد، لذا مباحث انرژی به صورت عمده از مذاکرات دور اروگوئه خارج شدند و مقوله جداگانه‌ای را در برنامه‌های ملی تشکیل نمی‌دهند»^۱

اما در موشکافی بیشتر، نکات زیر مطرح می‌شود:

– در مذاکرات اولیه گات، بسیاری از حوزه‌های نفتی واقع در خاورمیانه، آسیای جنوب شرقی و آمریکای شمالی تحت کنترل شرکت‌های فراملیتی و عمدتاً در مالکیت کشورهای آمریکا، انگلستان، هلند و فرانسه قرار داشت. این کشورها برای حفظ کنترل دائمی خود بر این منابع، تصمیم گرفتند که با معرفی نفت به عنوان استراتژیک‌ترین کالای بین‌المللی از ورود آن به مباحث گات جلوگیری نمایند.

– در زمان مذاکرات اولیه گات، هیچ یک از کشورها صادرکننده نفت، عضو گات نبودند تا بحث انرژی را طرح و پیگیری کنند.

– موافقتنامه گات بیشتر درصدد کاهش تعرفه‌ها و حقوق گمرکی بود، اما نفت خام تعرفه‌ای نداشت یا تعرفه آن بسیار نزدیک به صفر بود.

– مصرف‌کنندگان نفت، چند کشور بزرگ صنعتی بودند که به تهیه و تصویب

1. Keidanren (2000), p. 10

قوانین جهانی در مورد آن تن در نمی‌دادند.

– تعداد تولیدکنندگان نفت نیز محدود بود و شوک افزایش قیمت‌ها در دهه ۷۰ میلادی و تأثیر شدید تحریم فروش نفت به کشورهای غربی در جریان جنگ اعراب و اسرائیل، آنها را در موقعیت مساعدی قرار داده بود که برای حفظ وضعیت موجود، از وارد نشدن بحث نفت خام در مذاکرات گات حمایت می‌کردند.^۱

۶. درهای باز و سرمایه‌گذاری خارجی

خصوصی‌سازی در بخش‌های عام‌المنفعه کلیدی نظیر الکتریسیته دشوار و درازمدت است، زیرا چنین بخش‌هایی انحصارات طبیعی تلقی می‌شوند. اما روند آزادسازی و تأثیرات تجارت جهانی موجب شده است همه بخش‌ها منجمده صنعت برق نیز پا به میدان رقابت بگذارند و از این طریق کارایی خود را افزایش دهند. در گزارشات WTO نه تنها گسترش روز افزون حضور و مشارکت شرکت‌های خصوصی در تولید برق در کشورهای مختلف مشاهده می‌شود، بلکه جاذبه‌های جدید برای فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در این زمینه به چشم می‌خورد. چند مورد از به کارگیری هر چه بیشتر سرمایه خارجی در تولید الکتریسیته ذکر می‌شود:

* گواتمالا: در سالهای ۸-۱۹۹۶ برنامه خصوصی‌سازی بلند پروازانه‌ای اختیار کرد. این برنامه با تصویب قوانینی در مورد مخابرات و الکتریسیته توأم شد که به انحصار دولتی در این بخش‌ها پایان دادند و آنها را برای مشارکت بخش خصوصی آماده کردند. قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب سال ۱۹۹۸ تنها بخش‌های معدودی به ویژه حمل و نقل را از دسترس خارجی‌ها دور نگه می‌دارد.^۲

* برزیل: تحت برنامه خصوصی‌سازی، تعداد مؤسسات دولتی به ۱۴۷ مؤسسه کاهش یافته است. از سال ۱۹۹۵ دامنه خصوصی‌سازی به بخش‌های جدیدی گسترش یافته است اما هنوز مشارکت خارجی در بخش‌هایی نظیر الکتریسیته، به طور سنتی محدود می‌باشد.

۱. معاونت اقتصادی وزارت خارجه (۱۳۸۰)، ص. ۹

2. WTO (2002), p. 16

تلاش‌هایی در جریان است تا سرمایه‌گذاری خارجی در برخی از این بخش‌ها آزاد شود.^۱
 * لهستان: پیشرفت عظیمی در خصوصی سازی مؤسسات دولتی و به کارگیری سرمایه خارجی حاصل شده است. دولت به اقدامات خصوصی سازی از سال ۱۹۹۸ سرعت بخشیده است و در نظر داشته است تا سال ۲۰۰۱، ۷۰ درصد از مالکیت دولتی را واگذار کند. در این مرحله، خدمات مالی و مخابرات و نیز بخش‌های عام‌المنفعه کلیدی نظیر الکتریسیته در خصوصی شدن اولویت دارند.^۲

* سوئیس: اقداماتی در برنامه‌نوسازی قرار دارد که متوجه حذف، مختصر نمودن و ساده کردن انحصارات در زمینه‌هایی نظیر الکتریسیته می‌باشد.^۳ مقررات دست و پاگیر در بازارهای الکتریسیته و گاز حذف می‌شود تا مؤسسات خارجی به شبکه برق و به خدمات جداگانه تولید، انتقال و توزیع دسترسی پیدا کنند.^۴

* اتحادیه اروپا: جامعه اروپا و دولت‌های عضو آن تصمیم به باز کردن عرصه‌هایی نظیر الکتریسیته، گاز و خدمات پستی گرفته‌اند؛ هر چند در بعضی از موارد، دوره انتقال ممکن است طولانی باشد.^۵

۷. لزوم شکستن زنجیره ارزش افزوده برق

صنعت برق به طور سنتی تحت سلطه مؤسسات دارای تمرکز عمودی با مالکیت دولتی قرار داشته است که تولید، انتقال و توزیع برق را در اختیار داشته و فضای محدودی برای تجارت و رقابت باقی گذاشته‌اند.

گرایش اخیر به سوی خصوصی سازی و آزادسازی در این بخش، کمک کرده است تا فعالیت‌های متعدد اقتصادی مجزا شوند. این فعالیت‌ها ممکن است خدمات نویی را به وجود آورند و ممکن است موضوع مذاکرات آزادسازی تجاری چند جانبه قرار گیرند. تا زمانی که تمام فعالیت‌های مرتبط با برق، از تولید تا توزیع آن به مصرف کننده نهایی،

1. WTO (1996), p.15

2. WTO (2000), p.5

3. WTO (1996), p.4

4. WTO (2000), p.29

5. WTO (1997), p.23

در دست یک مؤسسه متمرکز باشد، خدمات برق به طور معمول قسمتی از ارزش افزوده برق تولید شده، انتقال یافته و توزیع شده توسط همان تولید کننده به حساب می‌آید. خصوصی سازی فعالیت تولید کنندگان دولتی و به جریان انداختن رقابت جزئی یا کامل در این بخش در برخی کشورها، به تفکیک فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با برق و هویت‌یابی خدمات برق در تمایز با خود برق به عنوان یک کالا منجر شده است.^۱

این جداسازی به خودی خود کافی نیست. پس از تفکیک نیز ممکن است مؤسسه متمرکز قبلی با تکیه بر آنچه انحصار طبیعی در شبکه سراسری نامیده می‌شود، به مقاومت برای حفظ شرایط ممتاز خود دست بزند و ارائه خدمات مربوطه را با موانع متعددی روبرو نماید. همه طرح‌های اصلاحی در بخش الکتریسیته کمابیش با جداسازی مدیریت شبکه از تولید الکتریسیته توأم است تا انحصارات پیشین نتوانند از امتیاز دسترسی به شبکه برای انتقال برق خود استفاده کنند.

آزادسازی تجارت خدمات برق به تضمین‌های رقابتی برای حفظ دستیابی به امکانات منحصر به فرد شبکه نیاز دارد. یکی از اقداماتی که حاضرین و فعالین قدیمی‌تر برای اعمال تسلط خود بر بازار انجام می‌دهند، اعلام نرخ‌های زیر قیمت برای مدتی کوتاه است تا رقبای تازه وارد را از صحنه به در کنند. یکی از طرق مبارزه با اینگونه اقدامات آن است که برای قیمت‌ها نه سقف، بلکه کف مشخص شود. برای مثال ایالت تگزاس که روند مقررات زدایی بخش برق را از سال ۱۹۹۹ آغاز کرد، با تنظیم قیمت برای نیروگاه‌های موجود، در پنج سال اولیه مقررات زدایی، به رقابت دامن می‌زند.^۲

این درست است که شبکه انتقال و توزیع یک شبکه منحصر به فرد است، این مطلب هم بدیهی است که هر شرکت تولیدکننده برق نمی‌تواند برای خود شبکه‌ای جداگانه تأسیس کند. اما برای جلوگیری از تأثیر منفی این انحصار طبیعی بر رقابت و تجارت می‌توان به شیوه‌های مختلفی متوسل شد. ماده ۸ موافقتنامه GATS از اعضا می‌خواهد در چنین مواردی اطمینان حاصل کنند که اولاً عملکرد انحصار اجباری در یک بازار مفروض با

1. WTO (1998), p.18

2. UNCTAD (2001), p.11

شرایط دولت کامله‌الوداد و تعهدات خاص اعضا در آن بازار مغایر نیست؛ و ثانیاً عرضه‌کننده انحصاری از شرایط انحصار برای سوء استفاده در بازار خدمات، خارج از محدوده آن انحصار استفاده نمی‌کند و تعهدات گات را در زمینه‌های یاد شده مراعات می‌نماید.

بنابراین انحلال انحصارات عمومی و تجزیه مؤسسات دارای تمرکز عمودی، نخستین مرحله در جهت دستیابی به بازار در مسیر آزادسازی همه جانبه در این بخش است. همین که اعضا آزادسازی در این بخش را انتخاب کردند، باید مقررات متعددی وضع کرد تا یقین حاصل شود که تلاش‌های آزادسازی، توسط قدرت بازار تهیه‌کنندگان فعلی، به ویژه آنها که شبکه انتقال و توزیع را کنترل می‌کنند، عقیم نخواهد ماند.

۸. خصوصی‌سازی و رقابت

در اجلاس تخصصی خدمات انرژی در تجارت بین‌الملل که توسط انکتاد^۱ از ۲۳ تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۱ در ژنو برگزار گردید، مطرح شد که اقداماتی لازم است تا رقابت عرضه‌کنندگان خدمات انرژی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، افزایش یابد و سهم «مؤسسات کوچک و متوسط»^۲ در بازار خدمات انرژی بیشتر شود و منشأ ابتکار و تحرک گردد. به این منظور ممکن است هم تنظیمات موجود و هم زیر ساخت فیزیکی به گسترش یا تقویت نیاز داشته باشد.

در این اجلاس تأکید شد که همکاری استراتژیک بین مؤسسات بومی و خارجی، و بین شرکت‌های بزرگ و SME ها باید تقویت شود تا فرصت‌های بازار شناسایی گردد، زیرا مشارکت هوش و دانش بومی می‌تواند در خدمت ایجاد اعتماد و مناسبات تجاری درازمدت قرار گیرد.^۳

واقعیت آن است که اغلب کشورهای جهان بجز ایالات متحده و ژاپن، یک مؤسسه تحت مالکیت دولتی و با تمرکز عمودی داشته‌اند که مسئولیت تأمین برق را برعهده داشته

۱. انکتاد - کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد

Unctad-United Nations Conference on Trade and Development
2. Small and Medium-sized Enterprises (SMEs)
3. UNCTAD (2001), p.3

است. اما این وضعیت از سالهای ۱۹۹۰ با شکل‌گیری رقابت در کشورهای مختلف منجمله آرژانتین، استرالیا، شیلی، نروژ، سوئد و انگلستان در حال تغییر است.

۹. اهمیت برنامه‌ریزی برای صادرات برق

تجارت الکتریسیته دشوار و پیچیده است و هزینه سنگینی برای ایجاد زیرساخت‌های ضروری می‌طلبد. اما این تجارت اکنون آغاز شده است و آزادسازی بازارهای تجاری که به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهد از ارزان‌ترین محل برق خود را خریداری کنند، می‌رود تا هم تقاضا و هم تجارت فرامرزی را برانگیزد. بحث تنها به خود الکتریسیته محدود نمی‌شود، آزادسازی در صنعت برق به معنی تفکیک و تجزیه تولید برق است که پای خدمات متعدد اصلی و فرعی برق را به بازار رقابت و تجارت باز خواهد کرد. این عرصه‌ای است که کشور ما می‌تواند و باید در آن فعال شود.

۹-۱. تجارت برق در WTO

شاید در اولین برخورد به نظر برسد که برق هنوز در هیچ کجای جهان به عنوان یک کالای صادراتی مطرح نیست و حداکثر کشورهای مجاور با داشتن ساعات پیک متفاوت یا فصل‌های مختلف برای اوج مصرف، به مبادله برق دست می‌زنند و بین صادرات و واردات برق آنها تعادل برقرار است. شاید چنین شود که همکاری بین‌المللی در صنعت برق به سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت تجهیزات برق، و تجارت خدمات برق از طریق مشارکت در انتقال و توزیع و انتقال فناوری و تخصص محدود می‌شود.

واقعیت آن است که بخش اعظم برق جهان در همان کشور تولیدکننده به مصرف می‌رسد. اما باید گفت ارتباط بین‌المللی شبکه‌های برق دائماً در حال افزایش است و مبادله الکتریسیته از طریق مرزها به طور روزافزونی عمومیت می‌یابد. در برخی مناطق، زیر ساخت مادی لازم برای تجارت بین‌المللی نیروی برق قبلاً شکل گرفته است. هر چند در مناطق وسیعی از جهان، ارتباط بین‌المللی شبکه‌ها از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست و تجارت بین‌المللی نیروی برق همچنان ناشدنی باقی خواهد ماند.

۲-۹. انواع تجارت بین‌المللی الکتریسیته

تجارت برق می‌تواند مبتنی بر تعاون و همکاری، یا مبتنی بر رقابت باشد. در حالت اول، دو یا چند کشور با سیستم‌های مکمل به تجارت برق دست می‌زنند تا استفاده از ظرفیت نصب‌شده را بهینه کنند. این کشورها معمولاً در منافع اقتصادی حاصل از همکاری سهیم می‌شوند. بخش اعظم تجارت مبتنی بر همکاری در کشورهای IEA^۱ مشاهده می‌شود. تجارت مبتنی بر رقابت در جایی صورت می‌گیرد که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در بازار الکتریسیته‌ای که شامل بیش از یک کشور است شرکت می‌کنند و به تجارت نیرو بر مبنای قراردادهای کوتاه‌مدت یا بلندمدت دست می‌زنند. تا این اواخر عملاً تجارت بین‌المللی برق وجود نداشت، اما از ژانویه ۱۹۹۶ با ایجاد بازار برق نروژ - سوئد، موضوع تغییر کرد.

۳-۹. صادرات برق در ایران

هر چند ایران کشوری پهناور است و از یک ساعت و ۱۶ دقیقه اختلاف افق برخوردار می‌باشد، اما مبادله الکتریسیته با همسایگان شرقی و غربی می‌تواند بازم امکان بهره‌گیری بیشتر از اختلاف افق، واردات برق مورد نیاز در ساعات پیک و صادرات آن در ساعات کم‌باری را فراهم کند. همچنین اختلاف فصل با همسایگان شمالی و جنوبی می‌تواند در مبادله برق با این کشورها در فصل‌های مختلف سال و کاهش پیک فصلی بسیار مؤثر واقع شود.

ارتباط الکتریکی فعلی ایران با جمهوری آذربایجان (ارس - نخجوان، جلفا - اردوباد، پارس آباد - ایمشلی)، ترکیه (بازرگان - دوغوبایزید، خوی - باش قلعه)، ارمنستان (اهر - مگری)، ترکمنستان (گنبد - نیت داغ) گذشته از مزایای متقابل اقتصادی - فنی، موجب پایداری بیشتر شبکه و کاهش سرمایه‌گذاری تولید می‌شود. اما این مبادله هنوز ناچیز است و مجموع صادرات و واردات ایران حدود یک درصد از کل تولید برق را تشکیل می‌دهد.

۱. آژانس بین‌المللی انرژی (International Energy Agency) که کشورهای اتحادیه اروپا و ۱۰ کشور دیگر منجمله ایالات متحده، کانادا و ژاپن عضو آن هستند.

با این وجود در برنامه‌ریزی برای آینده، نه تنها اختلاف پیک روزانه و فصلی، بلکه تفاوت قیمت انرژی در ایران و کشورهای همسایه و کشورهای دورتر، و نیز تفاوت سطح مهارت و میزان رشد صنایع زیربنایی به ما کمک می‌کند تا صادرات برق خود را گسترش دهیم. ارتباط با شبکه اروپا، روسیه، عراق، سوریه، ترکیه، پاکستان و دیگر کشورهای عضو اکو و حتی ارتباط با کشورهای حوزه خلیج فارس یک بحث جدی و کاملاً مطرح محسوب می‌شود.

۴-۹. صادرات برق فقط مبادله نیست

در پاراگراف صادرات برق اهمیت زیادی دارد. صادرات برق مازاد از نیروگاههای بزرگ برق آبی، درآمد مبادلاتی خارجی زیادی به دست می‌دهد. توانایی عظیم در عرضه انرژی و صادرات برق به حدی است که در سال ۱۹۹۶، حدود ۴۳ درصد کل صادرات را به خود اختصاص داد و بخشی از کسری تراز تجاری پاراگراف را جبران کرد.^۱

در بوتان ۴۵ درصد درآمد دولت از فروش الکتریسیته به دست می‌آید که بخشی از آن نیز به هند صادر می‌شود. در کشور غنا، برق صادرات «سنتی» کشور است، تا جایی که پایان آمدن سطح آب دریاچه ولتا، به بحران الکتریسیته در سالهای ۹۸-۱۹۹۶ تبدیل شد.^۲ در عوض مردم بوروندی، رواندا و منطقه شرق جمهوری دموکراتیک کنگو، بیشتر برقی را که مصرف می‌کنند وارداتی است.

جداول (۱) و (۲) برای مطالعه کشورهای که صادرات و واردات بخش بزرگی از تولید ویژه برق آنها را تشکیل می‌دهد تنظیم شده است. همچنانکه در این جداول می‌بینیم، در کشورهای پاراگراف و ترکمنستان، بیشترین میزان تولید برق به صادرات اختصاص دارد و در کشورهای سوئیس، اتریش و دانمارک نیز حجم مبادلات برق نسبت به میزان تولید بسیار چشمگیر است.

1. WTO (1997), p.1

2. WTO (2001), p.4

جدول ۱ - صادرات برق در سال ۱۹۹۹

تراوات ساعت

نام کشور	تولید ویژه*	واردات	صادرات	مجموع واردات و صادرات	خالص صادرات**	درصد مجموع به تولید***	درصد خالص به تولید****
پاراگوئه	۵۱/۵	۰/۰	۴۶/۰۳	۴۶/۰۳	۴۶/۰۳	۸۹/۳۸	۸۹/۳۸
ترکمنستان	۸/۴	۱/۱۰	۴/۱۰	۵/۲۰	۳/۰۰	۶۱/۹۰	۳۵/۷۱
لیتوانی	۱۳/۶	۰/۴۰	۳/۲۰	۳/۶۰	۲/۸۰	۲۶/۴۷	۲۰/۵۹
زامبیا	۷/۶	۰/۴۲	۱/۶۰	۲/۰۲	۱/۱۸	۲۶/۵۸	۱۵/۵۳
سوئیس	۶۶/۸	۲۱/۷۲	۳۱/۹۶	۵۳/۶۸	۱۰/۲۴	۸۰/۳۶	۱۵/۳۳
ساحل عاج	۴/۱	۰/۰۰	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۵۹	۱۴/۳۹	۱۴/۳۹
قرقیزستان	۱۳/۰	۰/۱۸	۲/۰۲	۲/۲۰	۱/۸۴	۱۶/۹۲	۱۴/۱۵
فرانسه	۴۹۷/۳	۵/۰۰	۶۸/۷۰	۷۳/۷۰	۶۳/۷۰	۱۴/۸۲	۱۲/۸۱
دانمارک	۳۷/۹	۴/۹۶	۷/۲۸	۱۲/۲۴	۲/۳۲	۳۲/۳۰	۶/۱۲
جمهوری چک	۶۰/۷	۸/۹۸	۱۲/۲۶	۲۱/۲۴	۳/۲۸	۳۳/۹۹	۵/۴۰
اتریش	۵۹/۳	۱۱/۶۱	۱۳/۵۱	۲۵/۱۲	۱/۹۰	۴۲/۳۶	۳/۲۰
ایران*****	۱۰۳/۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
جهان	۱۴۰۲۸/۲	۴۱۶/۰۲	۴۱۵/۹۸	۸۳۲/۰۰	—	۵/۹۳	—

مأخذ: ستونهای تولید ویژه، واردات، صادرات به ترتیب از جداول ۴۲-۹، ۴۸-۹ و ۴۹-۹ ترازنامه انرژی استخراج شده است.

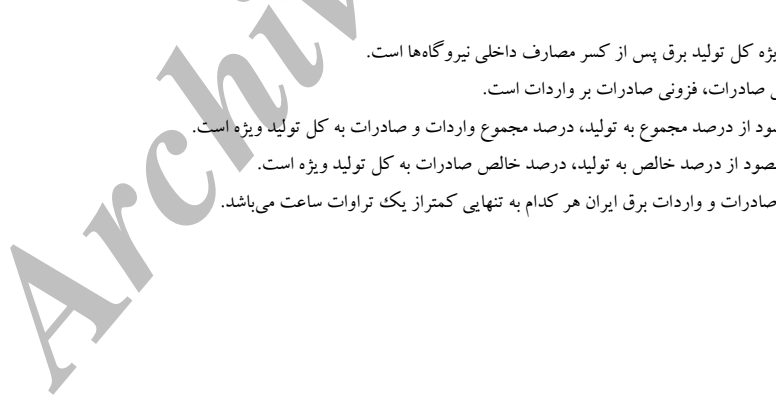
* تولید ویژه کل تولید برق پس از کسر مصارف داخلی نیروگاهها است.

** خالص صادرات، فزونی صادرات بر واردات است.

*** مقصود از درصد مجموع به تولید، درصد مجموع واردات و صادرات به کل تولید ویژه است.

**** مقصود از درصد خالص به تولید، درصد خالص صادرات به کل تولید ویژه است.

***** صادرات و واردات برق ایران هر کدام به تنهایی کمتر از یک تراوات ساعت می باشد.



جدول ۲ - صادرات برق در سال ۲۰۰۱

TWh

نام کشور	تولید ویژه	واردات	صادرات	مجموع واردات و صادرات	خالص صادرات*	درصد مجموع به تولید**	درصد خالص به تولید***
سوئیس	۷۰/۰	۲۴/۲	۳۴/۴	۵۸/۶	۱۰/۲	۸۳/۷۱	۱۴/۵۷
جمهوری چک	۶۸/۸	۹/۳	۱۸/۸	۲۸/۱	۹/۵	۴۰/۸۴	۱۳/۸۱
فرانسه	۵۱۷/۶	۳/۹	۷۲/۹	۷۶/۸	۶۹	۱۴/۸۴	۱۳/۳۳
جمهوری اسلواک	۳۳/۸	۰/۹	۱/۴	۵	۳/۲	۱۴/۷۹	۹/۴۷
لهستان	۱۳۱/۷	۴/۳	۱۱/۰	۱۵/۳	۶/۷	۱۱/۶۲	۵/۰۹
سوئد	۱۵۷/۷	۱۱/۱	۱۸/۵	۲۹/۶	۷/۴	۱۸/۷۷	۴/۶۹
کانادا	۵۶۳/۲	۱۷/۹	۴۰/۱	۵۸	۲۲/۲	۱۰/۳۰	۳/۹۴
دانمارک	۳۶/۰	۸/۲	۸/۸	۱۷	۰/۶	۴۷/۲۲	۱/۶۷
اتریش	۶۲/۸	۱۳/۸	۱۴/۴	۲۸/۲	۰/۶	۴۴/۹۰	۰/۹۶

مأخذ: ستونهای تولید ویژه، واردات، صادرات از آژانس بین‌المللی انرژی به دست آمده است.

* خالص صادرات، فزونی صادرات بر واردات است.

** مقصود از درصد مجموع به تولید، درصد مجموع واردات و صادرات به کل تولید داخلی است.

*** مقصود از درصد خالص به تولید، درصد خالص صادرات به کل تولید داخلی است.

۵-۹. مزیت نسبی در الکتریسیته

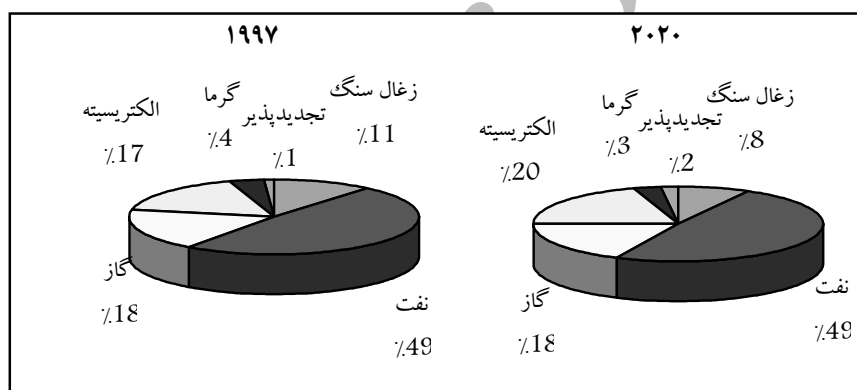
معمول است که با شاخص‌هایی نظیر شاخص لیزنر^۱ یا شاخص بالاسا^۲ مزیت یک کشور در صادرات یک کالا تعیین شود. این شاخص‌ها به صورت‌های مختلف نسبت صادرات یا مجموع صادرات و واردات یک کالا در یک کشور را به GNP آن کشور می‌سنجند. اما در مورد الکتریسیته این نسبت نمی‌تواند مزیت نسبی یک کشور را نشان دهد. در این رابطه باید اهمیت استراتژیک برق، روند رشد آن، نقش صنعت برق در صنایع دیگر، تأثیر آن بر صنایع بالا دستی و پایین دستی برق و ویژگی‌های الکتریسیته به عنوان یک کالای خاص در نظر گرفته شود که خود موضوع مقاله دیگری است.

1. Liesner
2. Balassa

۶-۹. افزایش نقش انرژی الکتریکی

در ۱۹۹۷ از نظر تقاضای «نهایی» انرژی (که تقاضای انرژی اولیه بعلاوه الکتریسیته و گرما است)، نفت نقش غالب را داشت و پس از آن به ترتیب گاز، الکتریسیته، زغال سنگ، گرما و انرژی تجدیدپذیر قرار داشتند. طبق برآورد IEA (نمودار ۱ برای سال ۲۰۲۰، در حالیکه نقش نفت و گاز به همان صورت خواهد بود، گاز از الکتریسیته (که انتظار می رود سهم آن از ۱۷ درصد به ۲۰ درصد برسد) عقب می افتد. سهم زغال سنگ و گرما کاهش خواهد یافت، در حالیکه انرژی های تجدیدپذیر بیشتر مورد استفاده قرار می گیرد. در مجموع الکتریسیته با رشد سالانه ۲/۸ درصد، بیش از هر سوخت دیگری رشد خواهد کرد.

نمودار ۱ - سهم انواع سوخت در مصرف نهایی کل جهان، ۱۹۹۷ و ۲۰۲۰



۵۸۰۸ Mtoe

۹۱۱۷ Mtoe

منبع: IEA

توضیح: Mtoe به معنی (میلیون تن معادل نفت) است.

۱۰. شفاف تر شدن بحث برق در WTO

برخلاف سالهای آغازین شکل گیری سازمان جهانی تجارت، امروزه در مباحث و دیدگاه های بسیاری از اعضای WTO مطرح می شود که انرژی و نیز الکتریسیته نیاز به

بازنگری و طبقه‌بندی مجدد دارد. اگر اجلاس اخیر دوحه و نیز قریب‌الوقوع بودن الحاق عربستان را در کنار مواردی نظیر افزایش توجه WTO به مبحث انرژی و الکتریسیته قرار دهیم، رشد روزافزون اهمیت برق در سازمان جهانی تجارت نمایان‌تر می‌گردد.

برای آنکه شمایی از این رشد نشان داده شود، تعدد مدارک رسمی سازمان جهانی تجارت در سالهای مختلف که واژهٔ electricity در آنها به کار رفته است، شاهد آورده می‌شود. این تعداد در سال‌های ۹۴-۱۹۸۷ جمعاً ۱۸ سند و در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ به ترتیب ۳۸، ۳۵ و ۳۴ سند بوده است. اما تنها در نیمهٔ اول سال ۲۰۰۲ این تعداد به ۵۱ سند رسیده است.

جمع‌بندی و ملاحظات

با شکسته شدن زنجیرهٔ ارزش افزوده در تولید برق، خدمات اصلی توزیع و انتقال، هویت مستقل پیدا می‌کند و گذشته از آن، خدمات فرعی متعددی شکل می‌گیرد که هر یک می‌تواند در سطح جهانی مشمول تجارت خدمات و مقررات GATS شود. درعین حال این امر موجب می‌شود کالای برق به مرحلهٔ تولید محدود شود و واردات و صادرات آن تابع مقررات GATT گردد. این جداسازی در مراحل اولیهٔ روند الحاق به سازمان جهانی تجارت و تحت تأثیر خصوصی‌سازی و آزادسازی شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر در سطح جهانی، انرژی برق اهمیت روزافزونی دارد. سهم برق در میان انرژی‌های نهایی در سالهای آینده افزایش خواهد یافت. هم مصرف‌کنندگان عادی و هم تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران صنایع، تمایل بیشتری در استفاده از انرژی برق و جایگزین کردن آن با انرژی‌های دیگر نشان می‌دهند. برق هم به صورت کالا و هم به عنوان یکی از عوامل تولید، در عرصهٔ تجارت به صورت فعال‌تری ظاهر می‌شود. برخی از کشورها به مصرف‌کنندگان عمده اجازه داده‌اند برق مورد نیاز خود را از هر کشور دلخواه تأمین نمایند. پیشرفت فناوری و گسترش آزادسازی، امکانات فیزیکی و نظری لازم برای این تجارت کالایی الکتریسیته را بیش از پیش فراهم می‌آورد.

برق به عنوان یک عامل تولید نیز در تولید کالاهای انرژی‌بر و در ارزش افزوده و

درآمد صادراتی حاصله سهم می‌شود. کشورهایی که به منابع و ذخایر انرژی دسترسی دارند و می‌توانند با بهره‌گیری از تخصص و زیرساخت‌های موجود خود به تولید الکتریسیته بپردازند، در تولید برق و نیز تولید کالاهای انرژی بر مزیت نسبی دارند. تعیین و نمایاندن این مزیت با محاسبات ساده مبتنی بر نسبت برق صادره و برق تولید شده، و یا نسبت مبادله برق و تولید ناخالص ملی به دست نمی‌آید.

اهمیت یافتن انرژی برق و تجارت کالای برق در سطح جهانی، و ورود کشورهای نفت خیر و دارای ذخایر گاز به سازمان جهانی تجارت موجب شده است مباحث انرژی به طور عام و الکتریسیته به صورت خاص در WTO شفاف‌تر شود و ضرورت پرداختن به این مباحث بیش از پیش احساس گردد.

پیشنهادها

۱- بحث الکتریسیته در سازمان جهانی تجارت، هنوز شکل نهایی به خود نگرفته است، بلکه باید به شکل‌گیری آن همراه با دیگران همت گماشت. به ویژه ایران که یکی از کشورهای بنام صاحب انرژی است و مهارت‌های فراوانی در عرصه صنعت برق دارد، باید در این روند فعالانه شرکت کند و در این جریان، منافع ملی را هر چه بیشتر لحاظ نماید.

۲- در مقدمات الحاق و در انطباق با روند عمومی جهانی، زنجیره تولید، انتقال و توزیع برق شکسته خواهد شد. خصوصی‌سازی فعالیت تولیدکنندگان دولتی و به جریان انداختن رقابت جزئی یا کامل در این بخش در برخی کشورها، به تفکیک فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با برق و هویت‌یابی خدمات برق در تمایز با خود برق به عنوان یک کالا منجر شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در جهت تفکیک تولید و انتقال نیرو اقدامات لازم صورت گیرد.

۳- تجارت الکتریسیته به صورت روزافزونی در سطح جهانی مطرح می‌شود. پیش‌بینی سازمان‌های جهانی نشان می‌دهد که تجارت برق به ویژه در اروپا و آمریکای لاتین به صورت فرامرزی و بین منطقه‌ای رو به گسترش دارد. لازم است با بررسی مزیت

نسبی کشور در این صنعت، برای تحکیم جایگاه ایران در صادرات برق نخست در سطح منطقه‌ای و سپس در سطح جهانی برنامه‌ریزی شود.

Archive of SID

منابع

۱. قراباغی، علیرضا (۱۳۸۱)؛ تأثیر پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت بر خدمات برق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.
۲. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اداره همکاری‌های اقتصادی چند جانبه، معاونت اقتصادی، نفت خام و سازمان تجارت جهانی - گذشته، حال و آینده.
۳. وزارت نیرو، معاونت امور انرژی، دفتر برنامه‌ریزی انرژی (زمستان ۱۳۸۰)؛ توازننامه انرژی سال ۱۳۷۹، تهران.
4. WTO (22 May 1996); **Trade policy reviews: Switzerland**, www.wto.org/english/tratop-e/tpr-e/tp31-e.htm.
5. WTO (24 October 1996); **Trade policy reviews**, www.wto.org/english/tratop-e/tpr-e/tp45-e.htm.
6. World Trade Organization (10 July 1997); **Trade policy review Paraguay: July 1997**, www.wto.org/english/tratop-e/tpr-e/tp57-e.htm.
7. WTO (12 November 1997); **Trade policy reviews: European Union**, www.wto.org/english/tratop-e/tpr-e/tp65-e.htm.
8. WTO, Council for trade in services (9 September 1998); Energy services, background note by the secretariat, (S/C/W/52) (98-3480), www.wto.org.
9. European Commission (26 March 1999); **Digital products: The case for services**, europa.eu.int/comm/trade/services/e-commerce/digi.htm.
10. Keidanren (2000); **Expectations on the WTO negotiations and requests for liberalizing**, www.keidanren.or.jp/english/policy/2000/008.html.
11. WTO (26 June 2000); **Trade policy reviews: Poland**, www.wto.org/english/tratop-e/tpr-e/tp136-e.htm.
12. WTO (6 December 2000); **Trade policy reviews: Switzerland and Lichtenstein**, www.wto.org/english/tratop-e/tpr-etc/tp150-e.htm.
13. WTO (28 February 2001); **Trade policy reviews: Ghana**, www.wto.org/English/tratop-e/tpr-e/tp157-e.htm.
14. UNCTAD (18 June 2001); **Expert meeting on energy services in international trade: Development implications**, (TD/B/COM.1/EM.16/2), www.unctad.org, Geneva.

15. International energy agency (December 2001); **Monthly electricity survey**,
www.iea.org/stats/files/mes.pdf.
16. WTO (18 January 2002); **Trade policy reviews: Guatemala**,
www.wto.org/english/tratop-e/tpr-e/tp184-e.htm.

Archive of SID